

باید امیدوار باشیم اما...

حالا به سال نورسیده ایم. به بهاری که باید باشد و نیست؛ مخصوصا بعد از دو سال خوب که مردم به سخاوت ابرها امیدوار شدند و حالا از آن سخاوت خبری نیست.

پاییز و زمستان سال قبل، برای بخش هایی از کشورمان، آسمان نه برفی ریخت نه بارانی، اگر هم ریخت، آن قدر نبود که علفی از خاک سر برکشد و لقمه ای بشود برای پروه بزغاله یا خرگوشی که ساکن بیابان است و من ناخودآگاه یاد آن بیت سعدی افتادم که: چنان خشک سالی شد اندر دمشق که یاران فراموش کردند عشق

۹ سال پیش بود، جمع شده بودیم جایی ویکی از هم شهری ها از نسال های دور تعریف می کرد؛ از سال هایی که گله دارها مجبور بودند در برفی نزدیک به یک متر، برای گوسفندا آغل ببندند. هم شهری ام می گفت آن سال بهار، چه بهاری شده بود و گوسفندا چه گوسفندا های! حالا با اینکه آدم ها همان آدم ها هستند و آسمان همان آسمان، از باریدن خبری نیست. آسمان دوباره خسیس شده است و وعده زیادی از آدم ها رد ابرها را می گیرند و هوش و حواسشان به اخبار هواشناسی است تا کی بگوید: یک توده جدید وارد کشور شده است. گوسفندا ها حالا برای مردم روستایی شده اند سربار یا خوراک دامی که خریدنش برای دامدارها سخت است و...

برای آن هایی که دست به بیل یادست به چوب چوپایی دارند، باران یعنی همه چیز و ما وقتی می توانیم اهمیت



عباسعلی عباسی یونسی شاعر و روزنامه نگار

این موضوع را درست درک کنیم که پیش از زمستان، گندمی زیر خاک کرده یا چند گوسفند خریده باشیم و به بهار پیش رو امید بسته باشیم، وگرنه وقتی «حقوق بگیر» هستیم، آن گونه که باید، نمی توانیم درک کنیم که سال بی بهار یعنی چه. نمی توانیم درک کنیم که سال خشکی یعنی چه و کشاورز و به خصوص دامدار، خیلی خوب صدای پای خشک سالی را می شنوند.

سال قبل در روز هایی که باید برف و بارانی می بارید - خیلی ها در فضای مجازی عکس هایشان را با شکوفه های زود به بار آآمده پست می کردند. خوشحال بودند که بهار آمده است اما نمی دانستند که این شکوفه های زود آمده، نشانه خوبی برای سال نونیستند. نمی دانستند یا حواسشان نبود که زمستان به برف و باران ویخ بندانش زمستان است، نه به روزهای آفتابی اش و نه به شکوفه های زود آمده اش.

چشم برهم زدیم و زمستان تمام شد و هوا گرم. زمستان نبارید و حالا باید دعا کنیم آسمان در این روزهای بهاری ببارد تا این زمین تشنه که دو سالی حال و احوالش خوب شده بود، دوباره سر حال شود و سر حالمان کند.

امید چیز خوبی است. آدمی با امید زنده است. پس باید امیدوار باشیم. در کنار امید داشتن البته باید یاد بگیریم که بیش از این، نظم حاکم بر طبیعت را با ندانم کاری ها و زیاده خواهی هایمان برهم نزنیم که اوضاع از این هم بدتر خواهد شد.

حدیث روز

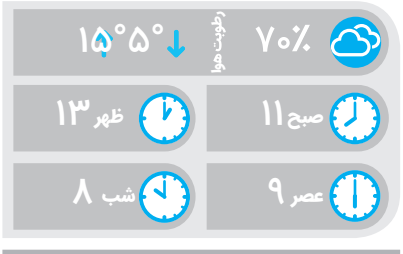
نیکی ها، بدی ها را نابود می کند

رسول اکرم ﷺ

اذان ظهر ۱۲:۳۴:۲۸

غروب آفتاب ۱۸:۵۶:۰۰

اذان مغرب ۱۹:۱۴:۳۷



کانال سوئز و آرمان شهر دریایی

آخرین باری که چندین شناور در کانال سوئز گرفتار شدند، ۸ سال آنجا ماندند و اجتماعی منحصر به فرد روی آب‌ها تشکیل دادند

عاطفه هما یوننی

چندین

کشتی غول پیکر «اور گیون» که از سه شنبه، ۴ فروردین با وزیدن بادی شدید، منحرف و منجر به مسدود شدن کانال سوئز و گرفتاری ۴۰۰ کشتی باربری در این کانال شده بود، بالاخره پس از تلاش های بسیار به مسیر خود بازگشت و باری افتاد. مایاترس و هیجان اخبار مربوط به این کشتی را دنبال کردیم اما کسی از تاریخچه گرفتاری کشتی هاد این کانال سخنی نگفت.

آخرین باری که چندین کشتی در کانال سوئز گرفتار شدند، هشت سال در این منطقه ماندگار شدند. از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۵، پس از جنگ شش روزه میان مصر و رژیم صهیونیستی، ۱۴ کشتی در دریاچه شور «گریت بیتر» که به کانال سوئز متصل است، لنگر انداختند. این کشتی ها به دلیل شن های کوبری که آن ها را پوشانده بود، به «ناوگان زرد» معروف شدند. خدمه این کشتی ها که نمی توانستند از منطقه خارج شوند، جامعه منحصر به فرد خود را بر روی آب ها تشکیل دادند. این جامعه خدمات پستی و تمبر های مخصوص به خود داشت و نسخه شخصی اش از المپیک را در سال ۱۹۶۸ برگزار کرد.

درگیری ها میان مصر و اسرائیل در ژوئن سال ۱۹۶۷ آغاز شد و تنها روز به طول انجامید، اما عواقب ناشی از آن سال ها ادامه یافت. کشور مصر کانال سوئز را محاصره کرد و برای جلوگیری از استفاده از این کانال توسط نیرو های اسرائیلی، هر دو مداخله ای را با کشتی های فرسوده، آوار و مین های دریایی مسدود کرد. کشتی هایی از آلمان غربی، سوئد، فرانسه، انگلستان، لهستان، بلغارستان، چکسلواکی و ایالات متحده آمریکا در طول این کانال گرفتار شدند و معلق بر روی آب ها، شاهد این جنگ شش روزه و سپس مسدود شدن کانال در اطراف خود بودند. در سال ۱۹۶۷، ارتباطات به اندازه امروز پیشرفت نکرده بود. این کشتی ها به راه رادیو دسترسی داشتند و می توانستند با کشور هایشان تماس بگیرند. اما سرانجام مقامات مصری از آن ها خواستند که ارتباطات را متوقف کنند. با ادامه بحران، دولت کانادا برای تبادل خدمه کشتی ها با مصر مذاکره کرد. منابع ضروری خدمه کشتی ها از مصر وارد می شد، بعضی ملوانان به خانه بازگشتند و برخی دیگر مجبور بودند در کشتی ها بمانند، زیرا مصر به کشتی ها اجازه خروج از کانال را نمی داد. طی هشت سال بعد از آن

اتفاق، یک سیستم عجیب و غریب در کانال سوئز شکل گرفت. صاحبان این کشتی ها مجاز بودند بخشی از خدمه خود را از کشتی ها خارج کنند، اما تعدادی از خدمه برای شناور نگه داشتن کشتی ها باید روی آب ها می ماندند. با گذشت زمان، خدمه کشتی های گرفتار با یکدیگر ارتباط برقرار کردند و به یک اجتماع واحد تبدیل شدند. آن ها انجمن دریایچه «گریت بیتر» و ابرای تأمین نیاز های خود تشکیل دادند.

بر اساس آنچه در مقاله ای از مجله «تایم» در سال ۱۹۶۹ درباره اوضاع این خدمه منتشر شد، بزرگ ترین مشکل آن ها کسالت بود! «تایم» می نویسد که خدمه برای حل این بحران، «در مسابقات قایق نجات حضور دارند و در عرشه وسیع بزرگ ترین کشتی بریتانیایی، فوتبال بازی می کنند. آن ها در مراسم کلیسای کشتی آلمانی حضور می یابند و بر روی کشتی باری بلغاری به تماشای فیلم می نشینند، به کشتی رابری لهستانی حتی تمبر های مخصوص این خدمه را به چاپ رساند و مقامات پستی مصر این تمبر ها را به رسمیت شناختند.

خدمه کشتی ها منابع غذایی را جمع می کردند و سیستمی برای تقسیم عادلانه منابع میان همه افراد داشتند. علاوه بر تمبر ها، ملوانان، ظروف ذخاوری، نماد ها و برچسب هایی

روزنامه شهر امیدوزندگی

شماره ۱۳۳۱ | ۱۰۰۰ تومان

میتشاق نامه اخلاق حرفه ای



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا
- دبیر مرکزی: ۰۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۰۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۰۳۷۲۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۰۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان



وزیر بهداشت: منحنی های کرونا فوتوشایی نیستند!

محمدرضا میرشاولد

کیوسک

تایمز

روزنامه بریتانیایی تایمز در تیتیر یک خود با نقل قولی از مدیر سرویس سلامت همگانی بریتانیا که گفته بود «ما از بیمار شدن شما جلوگیری می کنیم»، می نویسد که این سازمان تأمین راه پزشکی معتقد است برنامه موفق وا کسیناسیون کرونا در بریتانیا با ایجاد مصونیت همگانی، راهی را برای پیشگیری از بیماری های آینده در این کشور پیش پایشان قرار داده است.

نیویورک تایمز

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در مطلبی با تیتیر «بیشترین دستاورد بازار مشاغل از آگوست»، به کاهش نرخ بیکاری در دو ماه گذشته اشاره می کند. در این مطلب آمده است نرخ بیکاری در آمریکا که از شروع بحران کرونا تا حدود زیادی افزایش یافته بود، درحال ترمیم است، اما تا بازگشت آن به وضعیت معمول، زمان زیادی باقی مانده است.

ادامه از یادداشت روز صفحه یک

حاکمیت ابتدال و حق اقلیت

... چیز هایی از ترسحات نوابع داخلی و خارجی را مشاهده کنم. چند روز پیش دیدم که در یکی از همین تاکشوهایی که مثل قارچ هر روز اینجا و آنجا سبز می شوند، یکی از همین حکمای مشرق زمین به یکی دیگر از فرزانشان عصر ما می گوید: «همین الان رنگ بز بن به یکی از دوستانات و بگو فردا صبح به من پنجاه میلیون بده، اگر طرف حاضر شد چنین پولی را در اختیار بگذارد، من همین الان پنجاه میلیون به تو می دهم!» و بعد هم هر دو بزرگوار به اتفاق رو به دور بین تأکید می کنند: «بله، پنجاه میلیون اصلا چیزی نیست و فلان فیلم ساز انقلابی و ارزشی ما هم که از دادن این پنجاه میلیون امتناع کرد، دلش نه مبلغ زیاد آن که خست ذاتی ایشان است، وگرنه او به راحتی می تواند پانصد میلیون تومان فردا صبح به حساب ما بریزد!» من ابتدا فکر کردم این برنامه در یکی از شبکه های رسمی صداوسیما پخش شده، اما بعد دیدم که نه، گویا در یکی از شبکه های مجازی بوده است، اما علت اصلی اشتباه من حضور همین دو بزرگوار در لوکیشینی بود شبیه به آنچه پیش تر دیده بودم. منظور من این است که خیلی هم فرقی نمی کند. این حضرات در هر جا که باشند، همین هستند. همان طور که گفتم، مشکلی هم نیست. مملکت را کنترات بدهید دست همین حکیمان و فرزاتگان! فردا که هم ماه رمضان باشد، لابد باز همین بزرگواران باید بیایند و به ما درس تقوا و اصول دین بدهند! باز هم مشکلی نیست. خیلی ممنون! فقط لطف کنید و در صورت امکان دقایقی را هم از این همه امکاناتی که در اختیار دارید، به آن اقلیت بخت برگشته اختصاص دهید که دعای گوشه نشینان بلا بگرداند!

مجله عصر مژگر هجده شصت

برای خواندن مجله عصر شهر آرا کدرالاسکن کنید

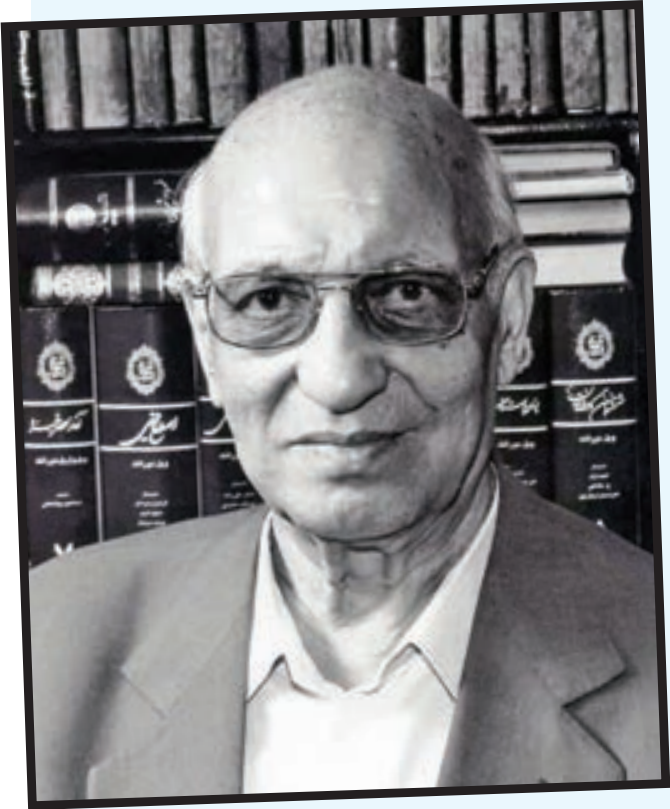


تاریخ نگار

فروردین ۱۵

۱۳۸۱

سالروز گذشت ریاضی دان نامی معاصر



«احمد بیرشک»، چهارم بهمن ۱۲۸۵ خورشیدی در تهران زاده شد. پس از آنکه مدتی نزد پدر فاضل خود تحصیل کرد، به مدت چهار سال در مشهد مشغول به تحصیل شد و از سال ۱۳۰۰ خورشیدی در تهران ادامه تحصیل داد. بیرشک در این زمان، زبان فرانسه را به خوبی فراگرفت و به ترجمه کتاب های فرانسوی همت گماشت. وی پس از دریافت دانش نامه لیسانس ریاضیات، به مدت ۱۹ سال در رشته معماری به تدریس رو آورد و سمت های متعددی از قبیل معاونت وزارت آموزش و پرورش وانی و معلم گروه فرهنگی هدف را بر عهده داشت.

بیرشک به شایستگی، لقب پدر ریاضیات ایران را داشت و علاوه بر تقدیری که وزارت علوم از وی کرد، در واپسین ماه های عمرش، صداوسیما او را جزو مفاخر فرهنگی و چهره های ماندگار معرفی کرد.

یکی از کارهای ارزنده و ماندنی استاد بیرشک، تدوین زندگی نامه علمی دانشوران و نیز گاه نامه تطبیقی ۳ هزار ساله است که تاریخ های شمسی، قمری و میلادی را باهم تطبیق کرده است.

وی همچنین در زمینه داستان، تاریخ و زندگی نامه، ریاضیات و هندسه و موضوعات دیگر دارای بیش از ۶۰ اثر است که هندسه مسطحه، فلسفه، ریاضی، علم قدیم تمدن جدید و مجموعه خرد از آن جمله اند. احمد بیرشک سرانجام پس از عمری تحقیق و پژوهش اواسط فروردین ۱۳۸۱ خورشیدی در نود و شش سالگی در گذشت و جامعه علمی کشور را به سوگ نشاند.

زین قنبر

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

● **پرش**
پیشوند و پسوند «چه» جد نوشته می شود یا پیوسته؟

- **پاسخ**
● **فرهنگستان زبان و ادب فارسی در «دستور خط فارسی» نوشته است:**
● **«چه» جدا از کلمه پس از خود نوشته می شود، مگر در:**
● **چرا، چگونه، چقدر، چطور، چسان**
● **«چه» همواره به کلمه پیش از خود می چسبد:**
● **آنچه، چنانچه، خوانانچه، کتابچه، ماهیچه، کمانچه**

#زین_قنبر_یارسی